

مقایسه تحلیلی مقامات حریری با مقامات سیوطی

دکتر ابوالحسن امین مقدسی

دانشیار دانشگاه تهران

ابوبکر محمودی^۱

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی

(از ص ۱۱۳ تا ص ۱۳۴)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۱۶، پذیرش ۱۳۹۰/۰۴/۱۲

چکیده:

بی شک مقامه از جمله فنونی است که ریشه در تاریخ کهن ادب عربی دارد و از بدو ظهور تا به امروز نویسندگان و کاتبانی نامور و شهیر در این فن ظاهر شده و قدرت و مهارت خود را در این زمینه به نمایش گذاشته‌اند. از جمله این نویسندگان می‌توان به حریری (۴۴۶ - ۵۱۶) و سیوطی (۸۴۹ - ۹۱۱) اشاره کرد. حریری در این فن پنجاه مقامه و سیوطی سی مقامه از خود به یادگار گذاشته‌اند.

با وجود اینکه موضوع نهایی کل مقامات حریری به گدایی و تکدیگری ختم می‌شود، اما وی با ابراز قدرت و مهارت لغوی و همچنین استفاده از صنایع بیانی و بدیعی دوران خود، گوی سبقت را از دیگر مقامه‌نویسان ربوده است. مقام و منزلت حریری را در این زمینه شاید نتوان با کسی دیگر مقایسه کرد. این مقامات مملو از سجع و تعقیدات کلامی و کنایات گوناگون است که از نقطه نظر ادبی بسیار حائز اهمیت‌اند، بطوری که بسیاری از عبارات و جملات آنرا بعنوان شاهد در لابه‌لای کتب بلاغی می‌توان مشاهده کرد. منزلت سیوطی در انشاء و مقامه‌نویسی در حد بالایی نیست. این امر برای کسی مثل سیوطی که کل هم و غم خویش را صرف تألیف و تدریس کرده بعید نمی‌نماید، و مجالی برای زیبا نویسی و محسنات بدیعی باقی نمی‌گذارد؛ با وجود این، سیوطی در زمینه ادبیات و مقامه‌نویسی بی‌بهره نمانده و خود را از این چشمه لایتناهی محروم نکرده است. مقامات او بی‌شک به پای مقامات حریری نمی‌رسد، چرا که اسلوب علمی بر اکثر آنها حاکم بوده و مملو از متون دینی و اقوال علما و دانشمندان است و بیشتر جنبه موعظه و خطابه‌های دینی دارد تا یک فن ادبی.

واژه‌های کلیدی: مقایسه، مقامات، حریری، سیوطی، دین، گدایی

۱. پست الکترونیکی نویسنده مسئول: ab00.mahmoodi@yahoo.com

مقدمه

مقامه از جمله فنون زیبای ادبی است که نویسنده آن با بیانی‌رسا و بهره‌گیری از فنون بلاغی و زیباسازی کلام پا به عرصه سخن می‌نهد. در ادب عربی نمونه‌های زیادی از این فن زیبا به یادگار مانده است که ذال بر قدرت و مهارت کاتبان آن دارد. حریری در ادب عربی از بزرگترین مقامه‌نویسانی است که با نگارش پنجاه مقامه زبانه‌زد خاص و عام شده است. این مقامات در بردارنده سیلی از نکات و شواهد بلاغی است که در اکثر کتب بلاغی میتوان آنها را یافت. سیوطی نیز از جمله کسانی است که در این زمینه اسب سخن به میدان تاخته و با نگارش سی مقامه مهارت خود را در این فن سخن به نمایش گذاشته است.

در این مقال سعی بر آن بوده که تبیین گردد وجوه اشتراک و افتراق مقامات حریری و سیوطی به چه صورتی تبلور یافته است؟ دلیل این همه شهرت مقامات حریری را با وجود تصنع و پیچیدگی آنها در چه چیزی باید جستجو کرد؟ چرا مقامات سیوطی با وجود اسلوب سلیس و روان به درجه شهرت و آوازه مقامات حریری نرسیده است؟ این چنین سؤالاتی ما را بر آن داشت تا با مقایسه‌ای بین مقامات حریری و سیوطی درصدد یافتن جوابی قانع‌کننده برای این سؤالات و نظایر آنها برآییم.

در زمینه مقامات حریری کارها و پژوهشهای گرانمایه‌ای انجام شده و مقایسات ارزشمندی بین مقامات او با دیگر مقامه‌نویسان - خصوصاً بدیع الزمان همدانی - به عمل آمده است، اما پیرامون مقامات سیوطی باید گفت این مقامات آن طور که شایسته و بایسته است، معرفی نشده است و کار آنچنانی درباره آنها انجام نشده و حتی تا چند دهه اخیر مقامات او را میبایست در میان نسخ خطی موجود در کتابخانه‌ها یافت!

گزیده‌ای از زندگانی سیوطی:

ابوالفضل عبدالرحمن بن ابوبکر سیوطی (اسیوطی) ملقب به جلال‌الدین در سال ۸۴۹ هجری در قاهره دیده به جهان گشود. وی منسوب به خانواده‌ای صاحب جاه و منزلت

است، که همه آنها جزء علمای دین بوده‌اند. در سن هشت سالگی قرآن را حفظ کرد و سپس پدرش وی را به کلاس درس محدث مشهور، ابن حجر عسقلانی فرستاد. گفته شده که او نزد ششصد نفر از بزرگان و شیوخ عصر خود درس خوانده است. در سن هفده سالگی از جانب شیخ و استاد خود بلقینی، به درجه اجتهاد نائل گشت و در همان سن شروع به تدریس در خانقاهها و مکاتب دینی نمود. (سیوطی، ۲۰۰۳: ص ۱۴). سیوطی پس از آنکه به درجه اجتهاد رسید، به بلاد مختلفی از جمله شام، یمن، حجاز، هند، تکرور و... سفر کرد. از سن چهل سالگی به بعد به منظور تالیف کتب و آثار به عزلت روی آورد، که در مقامه الاستنصار به این مهم اشاره کرده است. شایان ذکر است که سیوطی بیشتر آثار و تالیفات خود را از سن چهل سالگی به بعد به رشته تحریر درآورده است. این عالم ربانی عمر خود را وقف دین و فتوا و تألیف نمود تا اینکه در سال ۹۱۱ هجری، دیده از دنیا فروبست و در کنار قبر پدرش در خانقاه قوصون در مصر دفن شد. در مورد تالیفات او و تعداد آنها اختلاف وجود دارد؛ پاره‌ای از مورخان معتقدند که وی بالغ بر ششصد کتاب و جزوه داشته است، گروهی دیگر بر این باورند که آثار وی متجاوز از چهارصد عدد نیست. در هر صورت، آنچه که واضح و مبرهن است میزان تالیفات فراوان و چشمگیر سیوطی است که ذیلاً به پاره‌ای از آنها اشاره میشود:

الإتقان فی علوم القرآن، کتاب النقول فی أسباب النزول، الخصائص الكبرى، الأشباه و النظائر، البهجة المرضیة، المزهرة فی علوم اللغة، تاریخ الخلفاء، المحاضرات و المحاورات، المقامات و... .

گزیده‌ای از زندگانی حریری:

قاسم بن علی بن محمد بن عثمان الحریری در سال ۴۶۶ هجری در یکی از نواحی بصره به نام مشان دیده به جهان گشود. کنیه او ابو محمد و لقبش حریری است. با پا گذاشتن به سن نوجوانی به بصره رفت و به قرائت و استماع علوم حدیث و ادبیات پرداخت و در یکی از محله‌های بصره به نام «بنی حرام» سکنی گزید. زشت‌روی و خوش‌اخلاق بود و لباسهایی کهنه و قدیمی به تن میکرد. از همان عنفوان جوانی آثار

بلندپروازی و تیزهوشی در وی هویدا بود. دلایلی چند زشت‌رویی وی را توجیه می‌کرد، از جمله ذکاء و تیزهوشی او. ابن جوزی در مورد وی چنین می‌گوید: «إِنَّهُ فَاقَ أَهْلَ زَمَانِهِ بِالذِّكَاءِ وَالْفِطْنَةِ»، و یاقوت حموی درباره‌ی وی اینچنین مینویسد: «كَانَ فِي غَايَةِ الذِّكَاءِ وَالْفِطْنَةِ» (ضیف، ۱۹۵۶: ص ۲۹۳).

آثاری چند تألیف نمود، در زمینه‌ی نحو منظومه‌ای به نام «مُلْحَةُ الإِعْرَابِ» و کتابی به نام «دُرَّةُ الْخَوَاصِّ فِي أَوْهَامِ الْخَوَاصِّ» از وی به یادگار مانده است. همچنین پنجاه مقامه ادبی تألیف نموده که شهره‌ی عام و خاص شده است. شهرت وی مدیون همین مقامات است. تعدادی رسائل نیز از خود بر جای گذاشته که از نظر ادبی جایگاه و مرتبه‌ی والایی دارد.

مقامات (تعریف لغوی و اصطلاحی):

مقامه به معنای مجلس و جای ایستادن و ماندن و نیز از باب مجاز یعنی ذکر محل و اراده حال به معنای جماعتی که در مکانی اجتماع نموده‌اند، بکار میرود. این واژه در قرآن به سه معنا آمده؛ ۱. موضع و جای ایستادن «وَاتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» یعنی: از جایگاه او. ۲. مجلس و مترادف با لغت ندی، «أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا». ۳. منزلت و مرتبت «لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ».

شریشی، شارح مقامات حریری، می‌گوید: «وَالْمَقَامَاتُ: الْمَجَالِسُ وَأَحْدُثُهَا الْمَقَامَةُ وَ الْحَدِيثُ يُجْتَمَعُ لَهُ وَ يَجْلِسُ لِاسْتِمَاعِهِ يُسَمَّى مَقَامَةً وَ مَجْلِسًا لِأَنَّ الْمُسْتَمْعِينَ لِلْمُحَدِّثِ مَا بَيْنَ قَائِمٍ وَ جَالِسٍ لِأَنَّ الْمُحَدِّثَ يَقُومُ بَعْضُهُ تَارَةً وَ يَجْلِسُ أُخْرَى...» (شریشی، ۱۹۵۲، ۱/۱۹). در دوران اسلامی و اموی و قرن اول عهد عباسی این واژه در معانی دیگر بکار رفته، همچون: خطابه، وعظ و مترادف با شعر و مثل و حکایت. در قرن سوم هجری این واژه از مقام رفیعی که داشت سقوط کرد و در معنای پست کنونی بکار گرفته شد، زیرا به سخن‌گدایان که به شیوه‌ی سجع کاهنان بیان میشد اطلاق گردید. از

آن زمان به بعد این شیوه کتابت که قبلاً دست بزرگان و درباریان بود در دسترس عامه مردم قرار گرفت و از منزلت آن کاسته شد (ابراهیمی حریری، ۱۳۴۵، ۸).

همانطور که اشاره شد واژه مقامه تا قبل از قرن چهارم هجری معانی متعددی داشته است، اما اطلاق این واژه بر فن مورد نظر توسط بدیع الزمان همدانی سبب شد، تا معانی دیگر آن کنار رود و تنها معنای اصطلاحی و ادبی آن مستعمل گردد و سرانجام در اواخر قرن چهارم هجری این فن در ادب عربی پا به عرصه ظهور گذاشت. مقامه در اصطلاح، شبه قصه‌ای کوتاه محسوب میشود، که راوی و قهرمان آن هر دو وهمی هستند و اخبار آن پیرامون گدایی و تکدیگری می‌چرخد. (الفاخوری، ۱۳۸۳: ۷۳۱ و الزهیری، ۱۹۴۹: ۲۲۳). استاد زکی مبارک در تعریف مقامه چنین مینویسد: «وأظهر أنواع الأَقاصيص في القرن الرابع هُوَ فنُّ المَقَاماتِ وَهِيَ القصصُ القصيرةُ التي يُودعها الكاتبُ ما يشاءُ من فكرةٍ أدبيَّةٍ أو فلسفيَّةٍ و خطرَةٍ و جدائيَّةٍ و لمحَةٍ من لمحات الدعابةِ و المُجونِ» (مبارک، ۱۹۳۴: ۸/۱۹۷) این فن از برخی جهات مشابه فن داستان‌نویسی است، چرا که درونمایه اصلی آن را قصه تشکیل میدهد، اما نباید از ذهن دور داشت که از جهاتی نیز تفاوت زیادی با داستان دارد، زیرا هدف نویسنده در مقامات حادثه‌سازی و بیان حوادث با ترتیب و نسق خاصی نیست، همچنین از مهمترین ویژگیهای قصه و داستان یعنی شخصیت‌های روایی و تتابع احداث در آنها مشهود نیست.

از مشخصات اصلی مقامات همان تصنع و تکلف بیش از حد است؛ نویسنده چنین فونونی با اسلوبی مصنوع و متکلف و مسجع اندیشه مورد نظر خود را به خواننده و مخاطب القا میکند. هر چند که در اکثر مقامات با اندیشه‌ای متعالی روبه‌رو نیستیم اما از نظر تعلیم لغت و اسالیب سخن بسیار غنی میباشند، کما اینکه هدف اصلی و اساسی پیدایش این فن در بدایت امر همان اظهار مهارت لغوی و ادبی بوده است. ذکر این نکته لازم مینماید، که فحوا و درونمایه مقامات اولیه (همدانی و حریری و ...) پیرامون تکدیگری بود، اما هرگز موضوع مقامات منحصر به این مسائل نشد و در ادوار بعد با ظهور کسانی چون زمخشری، سیوطی، و سهروردی، رنگ و بویی دیگر به خود گرفت و شامل عرصه‌های دینی و طبی و... شدند.

مبدع فن مقامات:

در خصوص مبتکر فن مقامات بین ناقدان اختلاف نظر وجود دارد؛ پاره‌ای معتقدند که مبتکر این فن کسی جز بدیع‌الزمان همدانی^۱ نمیتواند باشد، از این ناقدان میتوان به ابومنصور ثعالبی در *یتیمه الدهر*، یاقوت حموی در *معجم‌الأدباء*، قلقشندی در *صبح الأعشى*، کارل بروکلمان در *تاریخ ادبیات عربی* و محمودغناوی الزهیری در *الأدب فی ظل بنی بویه* اشاره کرد. گروهی دیگر معتقدند که واضع مقامات، ابن‌ذرید بوده و بدیع‌الزمان فضل‌دسته‌بندی و معرفی آنها بعنوان یک فن ادبی را داشته است؛ از جمله این ناقدان میتوان به ابواسحاق حصری قیروانی در *کتاب زهر الآداب و حنا الفاخوری* در *تاریخ الأدب العربی* و دکتر زکی مبارک در *النشر الفنی فی القرن الرابع* و ... اشاره کرد. آنچه که انکارناپذیر است آن است که بدیع‌الزمان تأثیری بس فراوان در شکل‌گیری و اكمال این فن ادبی در ادبیات عرب داشته است.

مقایسه تحلیلی مقامات حریری و مقامات سیوطی:

وجوه افتراق مقامات:

۱. شاید اولین وجه افتراقی که بین مقامات سیوطی و حریری مشاهده میشود، موضوع و محتوای آنها باشد. موضوع کلیه مقامات حریری در نهایت به تکدیگری ختم میشود. البته حریری در ادای این موضوع روشهای گوناگونی پیش گرفته است. درونمایه اصلی مقامات او را گدایی و چرب‌زبانی مردی به نام ابو زید سروجی تشکیل میدهد که سعی دارد با سخنان موزون مردم را خام و رام خود گرداند، تا بدین وسیله بتواند گدایی خود را توجیه کند. حریری در جای‌جای مقامات خود به مسائل و موضوعات متنوع و گوناگونی اشاره کرده است، مثلاً در مقامه «الصنعانیة» به‌وفور شاهدیند و اندرزاها و حکمت‌های وی میباشیم و یا در مقامه‌های «القطبیة» و «النحویة»

۱. بدیع‌الزمان ابوالفضل احمد بن حسین در سال ۳۵۸ هجری در همدان متولد شد. نزد عیسی بن هشام، احمد بن فارس و ... شاگردی کرد، آثاری چند از وی بر جای مانده که معروفترین آنها مقامات (شامل پنجاه مقامه) است.

به علم نحو و مسائل آن و در مقامه‌های «الفرضیة و الطیبیة» به مباحث فقهی پرداخته است، اما در نهایت موضوع کل این مقامات به گدایی و تکدیگری ختم می‌شود. ولی سیوطی در مقامات خود به راه حریری نرفته است و در هیچیک از مقامات او اثری از گدایی بچشم نمی‌خورد، گویا شخصیت والا و دینی او اجازه چنین کاری را به او نداده است. مقامات او بیشتر جنبه موعظه و خطاب دینی دارد، بطوریکه سیوطی در آنها به بحر زاخری از معارف و نکات دینی اشاره کرده است و شاید بتوان گفت که اصلیتین دلیل نگارش این مقامات در همین مسئله نهفته باشد. ناگفته نماند که سیوطی در مقامات خود به پاره‌ای از مسائل پزشکی دوران خود نیز پرداخته است؛ از این دسته مقامات میتوان به مقامه‌های «الوردیة، المسکیة، التفاحیة، الزمردیة» اشاره کرد.

۲. دومین تفاوت این مقامات پیرامون راوی و قهرمان آنهاست؛ راوی مقامات حریری چهره‌ای جهان‌دیده و بزرگ‌منش به نام حارث بن همام است، و قهرمان آنها شخصی طماع و گدامنش بنام ابوزید سروجی، که تنها وسیله و ابزار او جهت رسیدن به خواسته‌هایش زبان فصیح و دلربای اوست. منتقدان می‌گویند که حریری اسم راوی مقاماتش را از حدیث «كُلُّكُمْ حَارِثٌ وَ كُلُّكُمْ هَمَامٌ» گرفته، افزون بر اینکه ابن خلکان و پاره‌ای از ناقدان برآنند که منظور از حارث (راوی مقامات حریری) خود حریری است. لازم به ذکر است که انتخاب راوی و قهرمان این مقامات - همانطور که بیشتر ناقدان اتفاق نظر دارند - حقیقی نبوده و چیزی جز زاییده خیال کاتب و یا نویسنده آنها نیست. (شریسی، ۱۹۵۲م، صص ۱۹ و ۲۰). ولی در مقامات سیوطی از یک راوی و قهرمان ثابت و مشخص خبری نیست، به عبارت دیگر مقامات او در بسیاری از موارد به یک سخنرانی و یا خطابه شبیه است، که نیازی به وجود قهرمان و راوی در آنها احساس نمی‌شود، نه به این معنی که در مقامات او شاهد هیچ نوع راوی و یا قهرمانی نباشیم. برای تحلیل بهتر مطلب پیرامون راوی مقامات او به شروع یکی از مقامات وی (وردیة) نظر می‌افکنیم: «حَدَّثَنَا الرَّيَّانُ عَنْ أَبِي الرَّيْحَانَ عَنْ أَبِي الْوَارِدِ أَبَانَ عَنْ بُلَيْلِ الْأَغْصَانِ عَنِ نَاطِرِ الْإِنْسَانِ عَنْ كَوْكَبِ الْبُسْتَانِ...» (سیوطی، ۱۹۸۶: ۸۱). سیوطی در این مقامه سخن را با یک راوی نامشخص شروع میکند که مبتنی بر وهم و خیال است، راوی که در مقامات دیگری

نمی‌توان سراغی از او گرفت و در هیچ جای دیگری از مقاماتش از این راوی وهمی و خیالی سخن نمی‌راند و بجای آن مقاماتش را معمولاً با آیه‌ای از قرآن آغاز میکند. در خصوص قهرمان مقامات وی باز به مقامه وردیه نگاه میکنیم، در این مقامه سیوطی به نیابت از گلها و گیاهان گوناگونی صحبت میکند که هر کدام با برشمردن اوصاف و شمایل خود در صدد تصاحب قدرت و مکننت بوده و هر کدام خود را مستحق این پست و مقام میدانند و لذا نمیتوان قهرمانی را بر این مقامه مترتب دانست. البته در اکثر مقامات سیوطی از آنجا که رنگ و بوی موعظه دینی دارند قهرمانی بچشم نمی‌خورد. کوتاه سخن اینکه سیوطی در مقامات خود مثل حریری دو شخصیت فرضی برنگزیده تا اینکه روایت داستان و خلق حوادث و ماجراها را به این دو نسبت دهد.

۳. نکته دیگر در مورد اسلوب شروع مقامات حریری و سیوطی است. حریری ابتدای هر مقامه از مقامات خود را با اسلوب حَدَّثَنِي یا حَدَّثَنَا یا رَوَى حَارِثُ بْنُ هَمَّامٍ آغاز میکند. البته این امر به سبب وجود یک راوی مشخص در مقامات اوست. ولی سیوطی در شروع بسیاری از مقامات خود از این تعبیر استفاده نمی‌کند، وی در آغاز بسیاری از مقاماتش به آیه‌ای از آیات قرآن تمسک می‌جوید، بعنوان مثال مقامه «السندسية» را به این سبک آغاز میکند: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ...» و یا بدایت مقامه «الطاعونية» چنین است: «قال الله تعالى: كُلٌّ مِنْ عَلَيْهَا فَأَنْ وِيبَقَى وَجَهٌ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ...»، اما در مقامه «الزردية» سبکی دیگر پیش می‌گیرد و مقامه را چنین می‌آغازد: «سَأَلُ سَائِلٌ مِنْ أَهْلِ الْوَسَائِلِ مَنْ يَقْصُدُ فِي الْمَسَائِلِ...».

در مقامه «الیاقوتية» بدون هیچ مقدمه‌ای سراغ اصل موضوع میرود: «اجْتَمَعَ سَبْعَةٌ مِنَ الْيَوَاقِيتِ لِبِضْعَةٍ مِنَ الْمَوَاقِيتِ وَ قَصَدُوا لِلْمُفَاجِرَةِ لَا لِلْمُفَاجِرَةِ...» و در مقامه «الوردية» همانطور که قبلاً هم اشاره کردیم، از اسلوب حَدَّثَنَا بهره می‌جوید ولی با یک راوی خیالی. همانطور که مشخص شد، اسلوب شروع مقامات سیوطی با یکدیگر فرق دارد و

هر مقامه‌ای را به سبک و اسلوب خاصی می‌آغازد؛ برخلاف حریری که در کل مقامات روال ثابت و مشخصی دارد.

۴. بررسی و تحلیل مقامات از نقطه نظر لغوی: واضح است که حریری در این زمینه نه تنها گوی سبقت را از سیوطی بلکه از دیگر مقامه‌نویسان نیز ربوده است، یکی از دلایل قدرت لغوی حریری را باید در استفاده او از سجعهای پی‌درپی جستجو کرد. حریری در مقامات خود از تکرار کلمات هم‌معنی خودداری کرده است، برای مثال اگر نیاز فراوانی به استفاده از کلماتی چون فرس و یا رمح بوده در مرتبه بعد از کلماتی چون «جواد، ساج، صافن»، و یا قناته، صعدۀ استفاده میکند، شاید بدلیل همین قدرت لغوی و ادبی مقاماتش باشد که عالم بزرگی چون زمخشری را واداشته که در حق این مقامات چنین اذعانی داشته باشد:

أَقْسَمُ بِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَعَشْرِ الْحَجِّ وَمِيقَاتِهِ
 إِنَّ الْحَرِيرِيَّ حَرِيٌّ بَأَنَّ نَكْتُبُ بِالتَّبْرِ مَقَامَاتِهِ

(ضیف، ۱۹۵۶: ۲۹۹).

دامنه استفاده از لغات و کلمات عربی در مقامات حریری بسیار بالا بوده بطوری که این مقامات منبعی غنی در زمینه انشا و نامه‌نگاری محسوب میشود. به این عبارت حریری که از مقامه «الدیناریه» اخذ نموده‌ایم - بعنوان نمونه‌ای بسیار کوچک و ناچیز در برابر کل مقامات وی - نظری می‌افکنیم تا درصد لغات و کلمات موجود در مقامات او را بهتر بفهمیم:

«عَمُوا صَبَاحًا وَأَعْمُوا اصْطَبَاحًا وَانظُرُوا إِلَى مَنْ كَانَ ذَا نَدِيٍّ وَنَدَى وَجِدَّةً وَجَدًّا وَعَقَارٍ وَقُرَىٍّ وَمَقَارٍ وَقُرَىٍّ... (حریری، ۱۳۶۴: ۲۸)؛ معنی واژگان: اصطباح: شراب صبحگاهی، ندی: مجلس، ندی: بخشش، جدّه: غنا و بی‌نیازی، جدا: بخشش، المقار: ظرف بزرگ، قری: ضیافت و مهمانی).

یکی دیگر از اسالیب و شیوه‌های حریری در بهره‌گیری از لغات که ذال بر قدرت لغوی اوست، استخدام واژگانی است که حاوی چند معنی است، برای مثال چند عبارت از مقامه «الشعرية» را از نظر می‌گذرانیم:

«نَسَدْتُكَ اللَّهُ أَلَسْتَ الَّذِي أَعَارَهُ الدَّسْتُ، فَقُلْتُ: لَا وَالَّذِي أَحَلَّكَ فِي هَذَا الدَّسْتِ، مَا أَنَا بِصَاحِبِ ذَلِكَ الدَّسْتِ، بَلْ أَنْتَ الَّذِي تَمَّ عَلَيْهِ الدَّسْتُ» (همان:ص ۱۸۹) ترجمه: گفت به خدا سوگندت میدهم تو همان کسی نیستی که جامه را به او امانت داده‌ام؟ من گفتم نه، به همان خداوندی که تو را در این مجلس آورده است قسم، که من آن جامه را ندارم، بلکه این تو هستی که نیرنگ و مکر میکنی! می‌بینیم که حریری واژه دست را در چهار معنای متفاوت به کار برده است، البته ما این کار را - همانطور که شوقی ضیف معتقد است - دال بر هنر نمی‌دانیم و اسمی جز تصنع و تعقید نمی‌توانیم بر آن بنهیم. (ضیف، ۱۹۵۶م، ص ۳۰۴). هرچند که ما منکر مهارت و بראعت لغوی سیوطی نیز نمی‌باشیم، اما با ضرس قاطع می‌گوییم که حریری در این زمینه بسیار قویتر از سیوطی در مقاماتش ظاهر شده است. جهت نمایان ساختن قدرت لغوی سیوطی به یکی از عبارات وی در مقامه «الوردية» نگاه میکنیم:

«وَلَكِنْ أَنَا الْقَائِمُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الدِّيَاجِي عَلَى سَاقِي، السَّاهِرُ طُولَ اللَّيْلِ فِي عِبَادَةِ رَبِّي فَلَا تَطْرُقُ أَحْدَاقِي، وَأَنَا مَعَ ذَلِكَ الْمُعَدِّ لِلْحُرُوبِ، الْمَدْعُوُّ عِنْدَ تَزَاخُمِ الْكُرُوبِ وَ...» (سیوطی، ۱۹۸۶م، ص ۸۵). سیوطی در مقامات خود از لغات و کلمات زیادی بهره می‌گیرد اما لغاتی که مانوس و آشنا بوده و برای همگان قابل فهم باشد - برخلاف حریری، و نه لغات وحشی و متروک‌الاستعمال. ناگفته نماند که یکی از اساسیترین ایراداتی که به مقامات حریری وارد شده راجع به همین مسئله، یعنی استعمال لغات و کلمات نامانوس است. خواننده مقامات او با سیلی از کلمات و لغات ناآشنا مواجه میشود که تنفر و بیزارای هر آدم سلیم‌الاحساسی را برمی‌انگیزد.

۵. مقایسه‌ای بین تکلف و تعقید در مقامات حریری و سیوطی: مقامات حریری مملو از سجع و تعقیدات کلامی و کنایات و چيستان و آوردن لغز است، البته این به معنای عدم درک و نفهمیدن مقامات حریری نیست بلکه به معنای صعوبت و دشواری

درک این مقامات است. حریری در پاره‌ای از مقامات خود آن‌قدر از کنایات و الفاظ مجازی زیادی استفاده میکند که درک کامل آنها را برای خواننده مشکل می‌سازد، مثلاً در مقامه «النصبیة» ابی‌یحیی را کنایه از مرگ، ابی‌عمره را کنایه از جوع و ابی‌نعیم را کنایه از نان میدانند. به ضرس قاطع میتوان گفت استعمال این چنین کنایاتی اگر در ادبیات عرب بی‌نظیر نباشد، کم‌نظیر و نادرالاستعمال است. (ضیف، ۱۹۵۶: ۳۰۱). اینچنین عبارات و جملاتی مقامات حریری را به غایت تعقید و پیچیدگی کشانده است. از جمله مسائلی که حریری را در دام تعقید گرفتار کرده، قصد طریفه و زیباسازی کلام است، هرچند که حریری اینکار را به منظور اظهار فضل و برتری و همچنین بیان براعت لغوی و ادبی خود در برابر معاصران انجام داده است، چرا که در آن زمان ذوق عمومی و گرایش اکثر کاتبان به تمیق و آرایش کلام بوده است. (الزهیری، ۱۹۴۹: ۲۳۱). عبارتی از مقامه *المغربیة* نگاه می‌اندازیم تا به یک نمونه از تعقید و تصنع در این مقامات پی‌ببریم:

«لَمْ أَخْأَمَلْ، كَبِرَ رَجَاءَ أَجْرِ رَبِّكَ، سَكَّتْ كُلُّ مَنْ نَمَّ لَكَ تَكِيسٌ...» (حریری، ۱۳۶۴: ۱۳۱).
مطمح نظر اینکه حریری در جمله فوق، و در جای جای مقامات خود، قلب (ما لا یستحیل بالانعکاس) ایجاد کرده، یعنی اینکه عبارت را میتوان از آخر به اول بدون هیچگونه تغییر و تحولی خواند، امری که در غایت صعوبت و پیچیدگی است.

حریری در مقامه *المراغیة* جهت نمایش مهارت و براعت خود به نوعی دیگر از تعقید و تصنیع دست‌زده که توان چنین امری را از کمتر کاتبی میتوان انتظار داشت. در این مقامه کلمات را بصورت متوالی یکبار منقط و یکبار بدون نقطه آورده است: «العطاء یُنْجِی و المِطالُ یُشْجِی و الدعاءُ یَقِی و المدحُ یُنْقِی و الحرُّ یَجْزِی و...» (حریری، ۱۳۶۴: ۵۲).

توجه بیش از حد حریری به تزیین لفظی علاوه بر دشوار ساختن سبک وی، پاره‌ای اوقات باعث شده که معانی و مضامین فدای الفاظ گردد، برای مثال در مقامه *السمرقندیة*، از آنجا که حریری خواسته کلماتی بدون نقطه را بکار ببرد، به دام تکلف معنایی عجیبی افتاده است:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ مَمْدُوحِ الْأَسْمَاءِ، الْمَحْمُودِ الْأَلَاءِ ... مَالِكِ الْأُمَمِ وَ مُصَوِّرِ الرَّمَمِ» (همان، ص ۲۲۲). وی بجهت رعایت سجع میان «امم و رمم» و قید بدون نقطه بودن کلمات، خداوند را درست کننده و سازنده (زنده کردن) استخوانهای پوسیده خوانده است؛ این در حالی است که در مقامات سیوطی به هیچ وجه شاهد این چنین تعقید و تصنعی نیستیم، هر چه هست با زبانی ساده و روان و به دور از پیچیدگی بیان شده است. شاید این امر ریشه در هدف و قصد سیوطی در تألیف مقاماتش دارد. از آنجا که سیوطی اهداف دینی، علمی و تعلیمی را در مقامات خود دنبال کرده، نیازی به پیچیده گویی و تصنع ندیده است، زیرا بیان چنین موضوعاتی با زبان ساده و سلیس بهتر قابل فهم خواهد بود. برای سلاست و روانی اسلوب سیوطی به چند جمله از مقامه الوردیه نگاهی می‌اندازیم:

«هَجَمَ الْوَرْدُ بِشَوْكَيْهِ، وَ نَجَمَ مِنْ بَيْنِ الرِّيحَيْنِ مُعْجَبًا بِأَشْرَاقِ صُورَتِهِ وَ افْرَاقِ صَوْلَتِهِ، وَ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ الْمُعِينِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ، أَنَا الْوَرْدُ مَلِكُ الرِّيحَيْنِ، وَالْوَارِدُ مُنْعِشًا لِلرَّوَّاحِ وَ مَتَاعًا لَهَا إِلَى حَيْنِ، وَ نَدِيمُ الْخُلَفَاءِ وَ السَّلَاطِينِ، وَ الْمَرْفُوعُ أَبَدًا عَلَى الْأَسْرَةِ لَا أَجْلِسُ أَبَدًا عَلَى تُرْبِ وَ لَا طِينِ...». (سیوطی، ۱۹۸۶: ۸۲).

۶. دلیل نگارش مقامات: با توجه به اینکه تعقید و تصنع و کلمات ناآشنا و الغاز و معماهای گوناگون در سرتاسر مقامات حریری قابل مشاهده است و با عنایت به اینکه ذوق و خواسته عموم در آن برهه از تاریخ به این چنین تعقیدات و تفننهایی تمایل داشته، میتوان گفت که هدف حریری در ارضای خواسته عموم و به منظور نمایش براعت و قدرت لغوی و ادبی خود بوده است. به اعتقاد نیکلسون حریری در تألیف و نگارش پنجاه مقامه خود علاوه بر اهداف نامبرده، اهدافی تعلیمی را نیز دنبال کرده است. (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۳۳۴). هرچند این امر در کل مقامات وی مشهود نیست، اما به صورت پراکنده به این چنین مطالبی اشاراتی کرده است، خصوصاً در دو مقامه «الدمشقیة و الساویة». اما شوقی ضیف میگوید: حریری با پرداختن به ظاهر سخن و آرایشهای کلامی از چنین اهدافی (تعلیمی و اخلاقی) روی برتافته است. (ضیف، ۱۹۵۶:

۲۹۹). ولی سیوطی در مقامات خود اهداف بلند اخلاقی، دینی، تعلیمی و علمی را دنبال کرده و محتوا و درونمایه مقامات وی شاهدهی است بر این مدعا. از آنجا که او چنین اهداف مبارک و میمونی را دنبال کرده، از پرداختن به آرایشهای کلامی و تصنع و تعقید جدا خودداری نموده و مقامات خود را با زبانی ساده و قابل فهم بیان کرده است.

۷. درصد استفاده از آیات قرآنی و احادیث نبوی و امثال عربی در مقامات و چگونگی کاربرد آنها: حریری در مقامات خود بوفور از آیات قرآنی و به نسبتی کمتر از احادیث شریفه چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم اقتباس نموده است: در مقامه «الحلوانیه» میگوید: «فَلَمْ يَكُنْ إِلَّا كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ حَتَّى أَنْشَدَ فَأَغْرَبَ ...» (حریری، ۱۳۶۴ ص ۲۵). و در مقامه «الصنعانیه» چنین مینویسد: «و تَزْحِجُ عَنِ الظُّلْمِ ثُمَّ تَعْتَشَاهُ، وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ...» (همان ص ۱۸)، حریری این جملات را به ترتیب از آیات ۷۷ سوره نحل و ۳۷ سوره احزاب اقتباس نموده است. وی در این جملات آیات را بدون دخل و تصرف و به صورت مستقیم ذکر کرده است، اما در مواقعی دیگر آیات را با دخل و تصرف و به صورت غیر مستقیم ذکر میکند، مثلاً در مقامه «الدمیاطیه» میگوید: «إِلَى أَنْ هَرَمَ النَّهَارُ وَ كَادَ جُرْفُ الْيَوْمِ يَنْهَارُ، فَلَمَّا طَالَ أَمَدُ الْإِنْتِظَارِ...» (حریری، ۱۳۶۴: ۳۸). حریری این عبارت را با دخل و تصرفی چند از آیه صد و نهم سوره توبه (مَنْ أَسْسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ ...) اقتباس کرده است. همچنین او در مقامات خود از احادیث رسول نیز بهره برده است، در مقامه العمانیه میگوید: «قُلْنَا شَاهَتِ الْوُجُوهُ وَ قُبِحَ اللَّكْعُ وَ مَنْ يَرْجُوهُ» (همان، ص ۳۱۸). وی عبارت «شاهت الوجوه» را از حدیث رسول اکرم که در نبرد حنین چنین جمله‌ای را بیان کردند، اقتباس نموده است. اما استفاده سیوطی از آیات به صورت مستقیم و به دور از هر نوع دخل و تصرفی است و حتی پایه و مبنای بسیاری از مقامات او را آیات صریح قرآنی تشکیل میدهند. سیوطی بسیاری از مقامات خود را با آیه‌ای از قرآن شروع میکند و در اثنای مقاماتش بوفور به آیات دیگر تمسک میجوید تا جایی که میتوان گفت: این آیات و احادیث بخش قابل توجهی از مقامات وی را تشکیل میدهد. به اختصار میتوان گفت: در صد بهره‌گیری سیوطی از آیات و احادیث به مراتب بیشتر از حریری بوده

است. ناگفته نماند که همچنین در صد قابل توجهی از مقامات سیوطی را اقوال مأثور برگرفته از علما و دانشمندان تشکیل میدهد، زیرا در بسیاری از موارد به آرا و اندیشه‌های آنان استناد می‌جوید، در حالیکه در مقامات حریری اصلاً با چنین چیزی مواجه نیستیم، هرچه هست همه تراوشاتی از ذهن نویسنده است.

در خصوص استخدام امثال میتوان گفت: مقامات حریری بر مراتب بالاتر و سرآمدتر از مقامات سیوطی در این زمینه است، شاید بتوان گفت که نمیتوان مقامه‌ای در میان مقامات حریری یافت که در آن به مثل یا امثالی اشاره نشده باشد، ولی در مقامات سیوطی بندرت با مثل روبه‌رو میشویم. دلیل این امر را باید در علمی و خطابه مانند بودن مقامات سیوطی جستجو کرد. به این عبارت از حریری که از مقامه الحوائیّه گرفته‌ایم، نگاهی میکنیم:

«يَا لَلْعَجَبِ وَ لِضِعَةِ الْأَدَبِ، لَقَدْ أُسْتَسْمِنْتُ يَا هَذَا ذَا وَرَمٍ وَنَفَخْتِ فِي غَيْرِ ضَرَمٍ...» و یا در همان مقامه مینویسد: «عند الامتحان يُكْرَمُ الرَّجُلُ أَوْ يُهَانُ...» (همان، صص ۲۴ و ۲۵). معنی امثال: استسمنت ذا ورم، گول و فریب ظاهر چیزی را خوردن، نفخت فی غیر ضرم، کار بی‌فایده انجام دادن، عند الامتحان یکرم الرجل أو يهان، خوش بود گر محک تجربه آید (به میان). حریری به خصوص در دو مقامه «الوَبْرِيَّةُ وَ الْحَجْرِيَّةُ» درصد قابل ملاحظه‌ای از امثال را ذکر کرده است.

۸. در مورد وجه نامگذاری مقامات باید گفت که حریری وجه تسمیه مقامه‌های خود را براساس اسم شهرها و اماکن جغرافیایی قرار داده است. حریری در پنجاه مقامه خود فقط ده مقامه را به نام شهرها نامگذاری نکرده است که عبارتند از: «الدیناریّة، الفَرَضِيَّة، الفَهْرِيَّة، الشَّعْرِيَّة، الرَّقْطَاء، الوَبْرِيَّة، الْبَكْرِيَّة، الشَّتَوِيَّة، السَّاسَانِيَّة». اما سیوطی در مقامات خود (سی مقامه) این روال را طی نکرده است و نامگذاری مقامات او براساس موضوع و درونمایه آنها بوده است. جالب توجه اینکه سیوطی اسم پاره‌ای از مقامات خود را از زبان طبیعت الهام گرفته است، مثل مقامه ریاحین و مقامه تفاحیه و ...

۹. شیوه مقامات حریری داستان‌گونه است ولی سیوطی در مقامات خود روشی داستانی در پیش نگرفته است. حریری موضوع مقامات خود را بصورت داستان پی میگیرد، مثلاً مقامه «الصَّنَعَانِيَّة» پیرامون آشنایی حارث‌بن همام (راوی مقامات) با ابوزید سروجی (قهرمان مقامات) است، که حریری این مقامه را بشکلی منتظم و حوادث آن را بصورتی پی‌درپی دنبال میکند، گویا که خواننده آن با داستانی چند صفحه‌ای روبه‌روست، هرچند که نمیتوان کل ویژگیهای داستان را در آن مشاهده کرد؛ اما در مقامات سیوطی از آنجا که موضوعات دینی و یا علمی و... است، با تسلسلی روایی روبه‌رو نیستیم، مثلاً در مقامه السُّنْدُسِيَّة سیوطی ابتدا با تمجید و ستایش از پیامبر اکرم به اقوال علما و اهل حدیث در این راستا استناد میجوید. سپس در همان مقامه به موضوعات دیگری میپردازد من جمله: صبر، اهل فتره، جهنم، و... این موضوعات بدون هیچ ارتباطی و به دور از شیوه‌ای داستانی در کنار هم چیده شده است. واضح است که این مقامه و مقاماتی از این قبیل، برخلاف مقامات حریری، از وحدت موضوعی برخوردار نیست.

۱۰. حریری در بیان پاره‌ای موضوعات در مقامه‌هایش دچار تطویل شده است، اما در مقامات سیوطی شاهد تطویل نیستیم، هر چند که ما منکر تنوع و گستردگی موضوع مقامات سیوطی نیستیم اما او در ادای این موضوعات دچار تطویل و اطاله بی‌فایده در کلام نشده است. برای بیان تطویل در مقامات حریری عبارتی از مقامه الدِّينَارِيَّة می‌پردازیم. او برای بیان ضعف مالی و زندگی نابسامان ابوزید مینویسد: «صَفَرَتِ الرَّاحَةُ وَ قَرَعَتِ السَّاحَةُ وَ غَارَ الْمَنْبَعُ وَ بَا الْمَرْبَعُ وَ اقْوَى الْمَجْمَعُ وَ اقْضَ الْمَضْجَعُ وَ اسْتَحَالَتِ الْحَالُ وَ اَعْوَلَ الْعِيَالُ وَ خَلَّتِ الْمَرَابِطُ وَ رَحِمَ الْعَابِطُ وَ اودَى النَّاظِقُ وَ الصَّامِتُ...» (حریری، ۱۳۶۴: ۲۸-۲۹). ترجمه کلمات: صفرت: خالی شد، راحه: کف دست، قرعت: خالی شد، الساحه: خانه، غار: فروکش کرد، المنبع: مخزن آب، نبا المربع: سکونت در آنجا غیر ممکن شد، اقوی المجمع: از سکنه خالی شد، أقض المَضْجَع: غیر قابل خوابیدن شد، أعول: داد و شیون سر داد، مرابط: طویله حیوانات، اودی: نابود شد، غابط: غبطه خورنده.

۱۱. در مقامات حریری - هرچند بندرت - الفاظ رکیک و خلاف هنجار دیده میشود، اما در مقامات سیوطی اصلاً چنین چیزی مشهود نیست، دلیل این امر را باید در شخصیت دینی و برجسته سیوطی جستجو کرد. حریری در مقامه تبریزیه پیرامون نزاع ابوزید با همسرش و شکایت آنان به نزد قاضی، چنین مینویسد:

«جَثَا أَبُو زَيْدٍ بَيْنَ يَدَيْهِ وَقَالَ أَيْدِ اللَّهِ الْقَاضِيَّ وَأَحْسَنَ إِلَيْهِ، إِنَّ مَطِيَّتِي (زوجتی) هَذِهِ أُبَيَّةُ الْقِيَادِ، كَثِيرَةُ الشِّرَادِ...» همان / ۳۲۴ و یا در جایی دیگر از همین مقامه می‌آورد:

«الْفَيْتُكَ أَفْبَحَ مِنْ قِرْدَةٍ، وَأَيَّسَ مِنْ قِدَّةٍ، وَ... وَأَنْتَنَ مِنْ حَيْفَةٍ...» (همان / ۲۳۵).

۱۲. مقایسه مقامات از منظر علم بیان و بدیع: مقامات حریری از نظر استخدام صنایع بیانی و بدیعی بسیار مورد توجه بوده و هست. (الفاخوری، ۱۳۸۳: ۷۴۱). عبارتها و جملات این مقامات، کوتاه بوده و همواره با تقطیع موسیقایی که ناشی از وفور صنایع بیانی و بدیعی است، همراه است. در مقامات سیوطی نیز شاهد این صنایع و آرایه‌ها هستیم، ولی به ضرس قاطع میتوان گفت که حریری در این زمینه نه تنها از سیوطی بلکه از دیگر مقامه‌نویسان نیز پیشی گرفته است. حریری آنچنان زیبا و قدرتمندانه از این صنایع بهره جسته که از مقاماتش به عنوان شاهد در بسیاری از کتب بلاغی استفاده شده است. در اکثر کتب بلاغی مثالی که برای صنعت بدیعی طرد و عکس ذکر میکنند عبارت «كَبَّرَ رَجَاءً أَجْرَ رَبِّكَ» بوده که برگرفته از مقامه «المَغْرِبِيَّة» است و بسیاری از شواهد دیگر که مجال پرداختن به آنها در این مقال نیست. یکی از زیباترین استعاراتی که از او میتوان نقل کرد شعری است در مقامه *الحلوانيَّة* که در اکثر کتابهای بلاغت عربی وجود دارد:

فَامْطَرَتْ لَوْلُؤًا مِنْ نَرَجِسٍ وَ سَقَّتْ وَرَدًا وَ عَضَّتْ عَلَى الْعُنَابِ بِالْبَرْدِ

(حریری، ۱۳۶۴: ۲۵).

به‌ایجاز میتوان گفت: مقامات حریری از نظر صنایع بدیعی و بیانی در سطح بالایی قرار دارد. اما نباید از ذهن دور داشت که استفاده زیاد وی از این صنایع او را در دام تعقید و تصنع گرفتار کرده است؛ بعنوان مثال به یکی از جناسهایی که بکار برده نظر می‌افکنیم تا در صد بهره‌گیری مفراط وی از این آرایه‌ها را بیشتر و ملموس‌تر درک کنیم:

«عَمُوا صَبَاحًا وَأَنْعَمُوا اصْطِبَاحًا» و انظروا الی مَنْ كَانَ ذَا نَدَىٍّ وَ نَدَىٍّ وَ جَدَّةٍ وَ جَدًّا وَ عَقَارٍ وَ قُرَىٍّ وَ مَقَارٍ وَ قِرَىٍّ ...» (همان، ص ۲۸). می‌بینیم که بین هر دو کلمه با یکدیگر جناس وجود دارد. سیوطی در کل مقامات به این میزان از جناس و کل صنایع بدیعی بهره نگرفته است درحالیکه در اکثر مقامات حریری شاهد چنین جناسها و صنایع بدیعی می‌باشیم، بطوریکه میتوان مدعی شد، هیچ خطی از مقامات حریری را نمیتوان یافت که رد پای یکی از آرایه‌های ادبی در آن بچشم نخورد! سیوطی نیز در این زمینه اسب سخن به میدان تاخته، ولی همانطور که گفتیم حریری به مراتب قدرتمندتر از سیوطی ظاهر شده است. جهت بیان قدرت سیوطی نیز در این زمینه به چند مثال پیرامون سجع و جناس از مقامات او می‌پردازیم:

۱. جناس اشتقاق: فَتَادَانَا الْمُنَادِي فِي النَّادِي يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي نَصِيحِكُمْ أُطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ (سیوطی، ۱۹۸۶م، صص ۱۰۶ و ۱۰۷).
۲. سجع: اجْتَمَعَ سَبْعَةٌ مِنَ الْبَوَاقِيَتِ لِبُضْعَةٍ مِنَ الْمَوَاقِيَتِ وَ قَصَدُوا لِلْمَفَاخِرَةِ لَأِ لِلْمَفَاخِرَةِ وَ لِلْمُكَاشِرَةِ أُيُّهَا فِي الرَّثْبَةِ أَعْلَى وَ فِي الزَّيْتَةِ أَعْلَى وَ فِي الْمَنْظَرِ أَعْلَى وَ فِي الْمَخْبَزِ أَجْلَى ... (همان، ص ۶۷).

وجوه تشابه مقامات:

۱. هر کدام از این مقامات حاوی طعنه‌ای نسبت به جامعه و وضعیت آن و سیاستمداران و قدرت به دستان دوران است؛ مقامات حریری طعنه‌ای است به جامعه آن وقت عرب، و گله و شکایتی است از فقر و ناداری مردمانی بسیار. وی در مقامه «الصنعاية» می‌گوید:

وَ لَوْ أَنْصَفَ الدَّهْرُ فِي حُكْمِهِ لَمَا مَلَكَ الْحُكْمَ أَهْلَ التَّقِيصَةِ

(حریری، ۱۳۶۴: ۲۰).

این شعر و عبارات بسیار دیگری دال بر نارضایتی و خشم مؤلف نسبت به حکام و قدرت بدستان بوده است. سیوطی نیز به همین منوال از وضعیت حاکم و تقسیم قدرت بین حاکمان ظالم خشمناک است. وی در مقامه «الوردية (الرياحين)» ماجرای نزاع

گلهایی را به تصویر میکشد که در تلاش و تکاپو برای دستیابی به سلطنت و مکت هستند و از هیچ کوششی برای رسیدن به هدف خود فروگذار نمیکنند. این میتواند تعریض بزرگی به وضعیت دوران سیوطی باشد که همه مردم در فکر پست و مقام و مال و مکت بودند و بس! استاد شریجی معتقد است که نابسامانی و رکود اوضاع دوران سیوطی به درجه‌ای شدت یافته بود که منجر به عزلت و خانه‌نشینی وی شد (شریجی، ۲۰۰۱م، ص ۳۷). به همین دلیل است که در جای‌جای مقامات سیوطی شاهدیم که ایشان زبان به گلایه و شکایت از احوال زمانه خویش گشوده است (رجوع شود به مقامات: اللؤلؤئیة، المزهريّة، الاستنصار بالواحد القهار ...) همچنین سیوطی در کتاب الاتقان فی علوم القرآن با افسوس و حسرت نسبت به مردم دوران خویش چنین مینویسد: «فالعالمُ بینهم مرّجومٌ يتلأعبُ به الجهالُ والصبيانُ والکاملُ عندهم مذمومٌ داخلٌ فی کفة النقصانِ وأیْمُ الله إنَّ هذا لهُو الزمانُ الذی یلزم فیهِ السکوتُ و المصیرُ حِلْساً من أحلاسِ البیوتِ». (سیوطی، ۱۳۹۳: ۴، ۳۰۱).

۲. هر دو نویسنده مقامات خود را با شعر آراسته‌اند، ولی استنادات شعری حریری، در پاره‌ای از موارد، مملو از تکلف است و از نظر استخدام عبارات و کلمات مشکله بسیار پیچیده تر از اشعار سیوطی است، از جمله به ابیاتی از مقامه «الصناعیة» نگاه کنید:

لَبَسْتُ الخَمِيصَةَ أَبغى الحَبِيصَةَ وَأَنْشَبْتُ شَيْصِي فِي كُلِّ شَيْصَةَ
وَصَيَّرْتُ وَعَظِي أَحْبُولَةَ أَرِيغُ القَنِيصَ بِهَا وَ القَنِيصَةَ
(حریری، ۱۳۶۴هـ ص ۱۹).

معنی لغات: الخمیصه: عبا، الحبیصه: شیرینی، شص: نوعی آهن باریک و کج، شیص: بدترین نوع ماهی، احبولة: دام و تور شکار ماهی، أریغ: گول می‌زنم، قنیص: شکار مذکر و القنیصه: شکار مونث).

شعر مملو است از کلمات نامفهوم که درک آن را بسیار سخت و دشوار کرده است. در حالی که اشعاری که سیوطی در مقامات خود ذکر میکند بمراتب ساده‌تر و آسانتر

است. همچنین باید گفت: حریری عموماً خود سراینده اشعار مقامات خویش است، در حالیکه سیوطی در اکثر مقاماتش ناقل اشعار است نه سراینده آن.

۳. هر دو نویسنده مقامات خود را مزین به آیات و احایث و امثال کرده‌اند. اما از آنجا که موضوع اکثر مقامات سیوطی پیرامون مسائل دینی است استفاده وی از آیات و احادیث بسیار بیشتر از حریری است و شاید بتوان گفت که اگر این آیات و احادیث را از مقامات سیوطی جدا کنیم بخش قابل توجهی از مقامات او حذف خواهد شد. اما پیرامون امثال وارده در مقامات این دو نویسنده باید گفت: حریری در این زمینه به مراتب سرآمدتر و ماهرتر از سیوطی ظاهر شده است، چراکه در اکثر مقامات حریری مثل و یا امثالی مشاهده میشود.

۴. هر دو نویسنده از صنایع بیانی و بدیعی بهره گرفته‌اند، اما همانطور که در صفحات پیشین نیز اشاره کردیم، میزان استفاده حریری در این زمینه بسیار بیشتر از سیوطی بوده است. حریری جای جای مقامات خود را به این آرایه‌ها و صنایع، آراسته بطوری که در این راه دچار افراط شده است.

نتیجه

نظر به آنچه که در اثنای مقاله گذشت میتوان گفت مهارت لغوی و قدرت ادبی حریری در انشای مقاماتش بسیار بالاتر از سیوطی بوده است. هر چند که موضوع مقامات حریری پیرامون گدایی و تکدیگری است، اما این مقامات از نظر استخدام صنایع ادبی و آرایشهای کلامی و اشتقاقیات لغوی گوناگون، بسیار ملحوظ نظر است. البته حریری در این زمینه راه افراط در پیش گرفته و در بسیاری از مواقع، نفرت و انزجار خواننده این مقامات را برمی‌انگیزد. سیوطی هر چند که موضوع مقاماتش را مسائل مذهبی و متون دینی و علمی تشکیل میدهد، اما وی از منظر مسائل لغوی و بیانی و بدیعی و... ضعیفتر از حریری ظاهر شده است و این امر برای عالمی مانند سیوطی که کل هم و غم خود را پیرامون دین و مسائل آن گذاشته است، بعید ننماید. اما در هر صورت نمیتوان سبک سلیس و روان و قدرت و مهارت ادبی و لغوی او را

در مقاماتش نادیده انگاشت. همچنین باید افزود که فضای حاکم بر مقامات سیوطی دین و مذهب است، مذهبی که مبنای اندیشه و اساس مقاماتش را تشکیل میدهد، اما روح حاکم بر مقامات حریری اقتصاد و امور دنیوی است، هرچند که در این مقامات هم شاهد مذهب هستیم، اما مذهب وسیله‌ای است جهت توجیه اهداف فردی گدامنش بنام ابو زید سروجی.

منابع:

- حریری، فارس ابراهیمی، *مقامه‌نویسی در ادبیات فارسی و تأثیر مقامات عربی در آن*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.
- حریری، مقامات حریری، چاپ اول از روی چاپ دارصادر بیروت - لبنان، چاپ افست گلشن، مؤسسه فرهنگی شهید رواقی، ۱۳۶۴.
- حمودة، طاهر سلمان، *جلال‌الدین السیوطی، عصره و حیاته و آثاره*، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۹۸۹م (۱۴۱۰هـ).
- الزهیری، محمود غناوی، *الأدب فی ظل بنی بویه*، مطبعة الأمانة بمصر هـ ۱۳۶۸ هـ (۱۹۴۹م).
- سیوطی، *التحدث بنعمة الله، الطبعة الاولى، المکتبة العصرية، صیدا - بیروت*، ۲۰۰۳م / ۱۴۲۳ هـ. ق.
- _____، *مقامات السیوطی، دار الکتب العلمیة، بیروت*، ۱۹۸۶.
- _____، *مقامات السیوطی الأدبیة الطبیة، الطبعة الاولى، تقدیم و تحقیق: دکتر احمد الطویلی، دار سحنون، تونس*، ۱۹۸۸م.
- _____، *الاتقان فی علوم القرآن*، محقق: محمد أبو الفضل ابراهیم، ناشر: هیئة المصریة العامة، مجلد رابع، ۱۳۹۴هـ.
- الشربجی، محمد، *سیوطی و جهوده فی علوم القرآن*، دمشق، دار المکتبی، ۲۰۰۱م (۱۴۱۲هـ).
- شربشی، احمد بن عبدالمؤمن القیسی الشربشی شرح *مقامات الحریری البصری*، أشرف علی نشره و طبعه و تصحیحه محمد عبد المنعم خفاجی، مصر (ربی نا)، ۱۹۵۲م (۱۳۷۲هـ).
- الشریف عبدالحلیم هاشم، *سیوطی و جهوده فی علوم القرآن*، القاهرة، دار الصدر، ۱۴۱۲هـ.
- ضیف، شوقی، *الفن و مذهب فی النثر العربی، الطبعة الثانية عشرة*، مکتبة الأندلس، مکتبة الدراسات الأدبیة، بیروت، ۱۹۵۶م.

_____، المقامة، دار المعارف، قاهرة، تاریخ مقدمه ۱۹۵۴.

العکبری، شرح الالفاظ اللغویه من المقامات الحریریة، تحقیق: ناصر حسین علی، الطبعة الأولى، دمشق، دارسعدالدين للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۲۶ هـ ق. / ۲۰۰۵ م.

الفاخوری حنا، تاریخ الأدب العربی، چاپ سوم، انتشارات توس، تهران، ۱۳۸۳ هـ ق.

مبارک، زکی، النشر الفنی فی القرن الرابع، الطبعة الأولى، دار الکتب المصریة، قاهرة، ۱۹۳۴ م، ۱۳۵۲ هـ

نیکلسون، تاریخ ادبیات عربی، ترجمه: کیوان دخت کیوانی، انتشارات و سیستار، تهران، ۱۳۸۰ هـ ش

Archive of SID